

نگاهی به زندگی

کولیان طایفه صفاری

شجره این طایفه به یعقوب لیث صفاری می‌رسد که هم‌اکنون در آبادان و شیراز و اهواز و اندیمشک و دزفول و بندرعباس و بندرلنگه پراکنده شده‌اند.

در سالهایی که مدت آن بر افراد طایفه معلوم نیست عده‌ای از این طایفه کوچ‌نشین به استان بوشهر می‌آیند و در نواحی این استان به نام خورموج و گاوبندی و عسلویه و گله‌دار و برازجان یکجانشین می‌شوند که کار عمدهٔ مردان در این طایفه سفیدگری^۱، ساختن سرپوش، قلیان، بادگیر و منقل بوده است و عده‌ای هم از راه مطربی در مراسم عروسی و ختنه‌سوران و ... امرار معاش می‌کنند. کولیان این طایفه مازاد تولید خود را در بازارهای مناطق دیگر و یا در راهها به عشایر کوچرو می‌فروشند. زنان در خانه به پخت و پز و ظرفشویی و در خارج از منزل به حجامت و تکدی‌گری و فال‌بینی مشغولند. همیاری مردان به زنان در کارهای منزل از قبیل پخت و پز و ظرفشویی عملی فوق‌العاده زشت می‌دانند و اگر مردی به چنین کاری دست زند، این عمل را قبیح و آن مرد مورد سرزنش و اسیر و برده زن می‌دانند، کدخدا در این مورد برای داماد خود هم استثنایی قائل نبود و تاکید می‌کرد که اگر داماد خودم هم چنین کاری کند، او را اسیر و برده زنش می‌دانم و آن را برای انجام چنین کاری سرزنش می‌کنم. اکنون که از کدخدا (رئیس طایفه) سخن به میان آمد بد نیست که از چگونگی انتخاب او و مسئولیتش صحبت کنیم.

۱ - هم‌اکنون به علت عدم استفاده از ظروف مسی این شغل مرسوم نیست و فقط در مساجد هرازگاهی کولیان به این کار دست می‌زنند.

انتخاب رئیس طایفه در بین کولیان موروثی می‌باشد و شرط سنی در این مورد دخالتی ندارد و تا حدودی بر اساس لیاقت و کارایی می‌باشد و کدخدا بدون هیچگونه چشمداشتی انجام کارهای کولیان را به عهده می‌گیرد. چون کولیان از انجام کارهای اداری بنا به علت معلوم ناتوان می‌باشند در این رابطه کدخدا مشکلاتی را که خود بر اساس سنت‌های قومی نمی‌تواند رفع کند آن را به کمک ارگانهای دولتی حل و فصل می‌کند و در حل اختلافات قومی در مجموع حرف کدخدا قطعیت دارد و برای آن احترام زیادی قائل هستند و در مورد اختلافاتی مانند قهر و دعوا کدخدا در مدت بسیار کوتاهی در صدد حل آن برمی‌آید همچنین وظیفه دارد که در تمام مراسم (عروسی و عزا و ...) شرکت کند.

ازدواج و طلاق :

ازدواج را یک وظیفه شرعی می‌دانند و برای جلوگیری از " انحراف جنسی " به آن تن در می‌دهند. شکل ازدواج آنهانک‌همسری (Monogamy) و چندهمسری (Polygamy) می‌باشد. کولیهای صفاری ازدواج " برون‌گروهی " و زودرس دارند اما در مواردی فقط از طوایف دیگر که عمدتاً از لران ممسنی و عربهای اهواز و عسلویه و بهبهان دختر می‌گیرند اما دختر به طوایف تاجیک دیگر نمی‌دهند مخصوصاً ازدواج یا کولیان شلال (در استان خوزستان) و کولیان قفقازی (در کرمان) و کولیان افغانی اهل تسنن به علت عدم پایبندی به قوانین خاص " درون‌گروهی " کلا منع کرده‌اند.

پسران در سن پانزده یا شانزده سالگی و دختران در سن چهارده و یا پانزده سالگی با تشخیص پدر و نظر مادر کمتر در امر ازدواج دخالت دارد. پسران و دختران در چنین سنی از طرف خانواده در طایفه کنترل می‌شوند. بعد از این سن اگر فرد مجرد باقی بماند، پسران از رفتن به خانه دختردار بدون هیچگونه تعارفی منع می‌شوند و بالعکس. در این رابطه پدر خود دختر را انتخاب می‌کند و به خواستگاری او می‌رود که در اینجا نظر پسر اصلاً دخالتی ندارد. اگر در این مورد مخالفتی شد و دختر و پسر ناگزیر به ازدواج غیرقانونی دست‌زدند، به شدت طبق قواعد سنتی طایفه مورد سرزنش قرار می‌گیرند و در نهایت با دخالت کدخدا و میانجیگری او به خاطر احترام به خانواده دختر آنها را به عقد هم درمی‌آورند البته این مربوط به موقعی می‌شود که دختر و پسر " درون گروه " باشند اما اگر دختر " برون‌گروه " باشد با دخالت ارگانهای دولتی در پی رفع مشکل برمی‌آیند.

در انتخاب همسر در وهله اول به خانواده دختر و تربیت آن اهمیت می‌دهند و زیبایی و وضعیت اقتصادی خانواده دختر را چندان مهم نمی‌دانند. پس از ازدواج پدر مکان (Patrilineal family) هستند و پسر تا هروقت که بخواهد می‌تواند با همسر خود در خانه پدر زندگی کند. ثمره ازدواج را مهم می‌دانند به پسر

۲- این طایفه در مواردی دارای خرده‌فرهنگ (Sub - culture) می‌باشند چرا که اصلاً " صیغه " را قبول ندارند.

بیشتر از دختر اهمیت می دهند .

اگر در مواردی مسئله طلاق پیش آید ، کدخدا سعی می کند که بین زن و مرد صلح و صفا دهد . اگر کدخدا در این امر به نتیجه ای نرسید سه ماه و ده روز وقت می گذارند و بعد از آن طلاق غل (قطعی) داده می شود و سه طلاقه در بین کولیهای طایفه صفاری مرسوم نیست و اگر طلاق به شکل " غل " داده شد ، برگشت داده نمی شود . در مواردی اگر اختلاف زن و مرد بر سر نازایی باشد به مرد از طرف کدخدا اجازه انتخاب همسر دیگری داده می شود . اما نازایی برای زنان نمی تواند دلیلی برای طلاق از مردان باشد . وجه تشابه ای که در مورد طلاق بین طایفه صفاری و عشایر کوچ نشین (طبق گفته آقای دکتر امان اللهی در کتاب کوچ نشینی در ایران) وجود دارد اینست که ایندو طلاق را عملی قبیح و نشانی از بی غیرتی می دانند .^۳

وضع آموزش

برای طایفه صفاری به علت مشکلات اقتصادی و اجتماعی امکان تحصیل فراهم نشده . طبق تحقیقی که راقم این سطور انجام داده هیچکس از این طایفه تا مقطع تحصیلی " دیپلم " نرسیده اند . تحصیل دختران را امری ناپسند می شمارند و به آنها معمولاً تا دوره ابتدایی اجازه تحصیل داده می شود . و صراحتاً " کدخدا اذعان می کند که دختر خود را همین اواخر (دوره ابتدایی) از تحصیل به علت ناپسندی محروم کرده است . طبق اطلاعاتی که کدخدا از کولیهای این طایفه در شیخ نشین های خلیج فارس (کویت و بحرین و ...) به دست می دهد در آنجا این منع وجود نداشته و دختران تا مقطع لیسانس و فوق لیسانس به تحصیل پرداخته اند .

دلیل دیگری که مانع ادامه تحصیل کولیان صفاری شده ازدواج " زودرس " بوده است و من در خانه کدخدا دانش آموز سابقم را دیدم که تا سوم راهنمایی درس خوانده بود و بعد از آن مدرسه را ترک و ازدواج کرده که هم اکنون سرباز و صاحب سه فرزند می باشد .

موسیقی

از موسیقی کولیان جویا می شوم . کدخدا خود را ماهر در نوازندگی نی جفتی می داند . مردم از طرفداران پر و پا قرص این نوع موسیقی هستند که کولیاها در مراسم عروسی می نوازند . هر چند بازار مطربین کولی تا حدودی کساد شده است اما باز هم در خفا کولی ها برای امرار معاش خود به این کار می پردازند ، مخصوصاً " آنتهایی که از قدیم به این کار مشغول بوده اند هنوز هم به این کار ادامه می دهند و در کل مطربی هم جزئی از کار اجتماعی کولیان محسوب می شود . نوازندگی عامل دیگری است که آنها را از نظر گروه های اجتماعی دیگر مطرود می کند .

۳ - نگاه کنید به کتاب " کوچ نشینی در ایران " تألیف دکتر امان اللهی بهاروند ص ۱۲۳

نی‌جفتی و نی‌انبان و دایره از جمله سازهایی است که کولیان صفاری با مهارت خاصی در مراسم گوناگون می‌نوازند و به شکل کر اجرا می‌کنند که در گذشته همراه با رقص زنان کولی همراه بوده است. اکنون به زنان کولی اجازه داده نمی‌شود که در مراسم عروسی به رقص بپردازند.

در خاتمه

کولیهای صفاری سخت عاطفی هستند. به طوری که اگر پیشامدی جزیبی برای یکی از آنها رخ دهد، همه به دور هم جمع می‌شوند و طوری وانمود می‌کنند که واقعه مهمی رخ داده است و یا اگر کسی از آنها در چند سال قبل فوت کرده باشد طوری بر سر قبر او شیون و زاری می‌کنند که مرگ تازه‌ای رخ داده است.

با وجود فقر مالی که گریبانگیر طایفه است طبق تحقیقی که نگارنده به عمل آورده است آنها از جراحی از نوع دزدی ترس عجیبی دارند و اگر مواردی پیش آمده، دزدی آنها منحصرًا "دله‌دزدی" بوده است و تقریبًا ۲٪ جرایم در سطح استان بوشهر مربوط به کولیان بوده که عمدتًا "این جرائم برخوردار" درون طایفه‌ای بوده است.

از دید دیگر چون این قوم همواره تحقیر شده‌اند و آنها خود را همیشه برده سایر افراد اجتماع می‌دانند و همیشه مخاطبان خود را "آقا" و "ارباب" خطاب می‌کنند و این جزء "باورهای اجتماعی" آنهاست که همیشه خود را "مخلص" و "برده مردم" بدانند و مردم هم به نوبه خود آنها را جزء "کاست اجتماعی" می‌دانند و همان پایگاهی که مطربین طبق گفته دکتر امان‌اللهی در ایلات عشایر ایران دارند کولیان هم همان نقش گروه اجتماعی مطرود در میان تاجیک‌ها دارند.

در کل کولیان صفاری آدمهای قانعی هستند که حاضرند با هرگونه شرایطی در زندگی خود را وفق دهند. همین باعث شده که ما در زندگی کولیان تغییر و تحول محسوسی را مشاهده نکنیم و این از قانع بودن آنها ناشی می‌شود.